



۲۰۱۶/۱۱/۲۴



ولی احمد نوری

## به مناسبت روز جهانی رفع خشونت علیه زن آگاهی، ضروری و مبرم برای زنان!

نگاهی به فتوای شرعی ستر و حجاب زن در زمان حکمرانی جمعیت اسلامی  
برهان الدین ربانی، احمد شاه مسعود و عبدالله عبدالله

و .....

من این نوشته را ده سال قبل در روز ۸ مارچ ۱۹۹۶م برای ارجگزاری از روز جهانی زن نوشته بودم ولی می بینم که امروز هنوز که هنوز است، تازگی دارد و امروز که ۲۴ نومبر روز جهانی منع خشونت علیه زن است، آنرا به همین مناسبت دوباره به نشر می سپارم.

### زن!!

زنی که نه تنها مادر است، خواهر است، همسر است و یار و یاور مرد است، بلکه یک انسان است و هیچ تفاوتی از یک انسان دیگر که مرد است، ندارد.

لازم می افتد از این روز طوری که شأن و مقام زن ایجاب می کند و هرگونه خشونت بر این جنس لطیف و حساس مردود است، ارج گذاری شود مخصوصاً از زن افغان باید قدردانی بیشتر شود، و برای رفع و توقف خشونت علیه وی از هر گونه امکان و سلاح دست داشته استفاده اعظمی شود.

باید فراموش نکنیم که همین زنان عزیز و گرامی افغان که امروز هر نوع ظلم و تعدی ناروا را به نام اسلام و عنعنات فرسوده در حق آنها روا می دارند، در روزگاران نه چندان دور، بلکه در دهه خجسته دیموکراسی ظاهر شاهی از چنان قدر و عزتی نزد فرزندان وطن برخوردار بودند که در برخی موارد از حقوق زنان در کشورهای اروپائی که فعلاً خود را حامی حقوق بشر و منجمله زن می دانند، جلوتر بودند.

تا سال ۱۹۷۳م در برخی از کشورهای اروپائی، به زنان اجازه داشتن حساب مستقل بانکی و یا تجارت به نام خود شان را نمی دادند و مخصوصاً حق اشتراک در رأی گیری و کاندید شدن را نداشتند، ولی در افغانستان عزیز ما

مخصوصاً بعد از انفاذ قانون اساسی ۱۹۶۴م، یعنی در عصر فرخنده دهه دیموکراسی، زن حق رأی دهی و کاندید شدن را بدون تبعیض داشت، مگر در همین آوان زنان در کشور سویس حق رأی دهی نداشتند، زنان در فرانسه (گهواره تمدن) تنها در دهه چهارم قرن بیست حق رأی دهی را پیدا کردند. (رجوع شود به کتاب با ارزش و پرمحتوای جناب داکتر سید عبدالله کاظم در مورد زنان افغانستان)

ولی چه شد که زن وطن دوست، دانشمند و مادر تربیه اولاد وطن یکباره مطرود شد و به نام دین و مذهب از تمام حقوق عادی و ابتدائی خویش محروم گردید؟ دشمنان افغانستان با مغز شوئی جنگسالاران دوره جهاد و طالبان چنان روز سیاه را بر زنان آوردند که اینک بدترین مثال محرومیت از حق زنان در افغانستان، حتی در عربستان سعودی باعث تعجب و اگر گزافه نگفته باشم باعث خشم علمای جید و دانشمند این کشور شد.

با مقایسه دوره شروع جهاد و حکمرانی جهادی ها در کابل و بعد دوره طالبان چنین به نظر می رسد که دوره قبل از طالبان، دوره پامال کردن نه تنها زن، حقوق زن بلکه خود زن را شرعی و قانونی می دانستند.

برای آگاهی زنان افغان از خطر تباہ کن و خانه برانداز افراطیون مذهبی، فتوای تاریخی ۵ سنبله ۱۳۷۲ هـ ش مطابق ۲۴ اگست ۱۹۹۳م ریاست دارالافتاء و مطالعات ستره محکمه حکومت اسلامی "ربانی - مسعود" در مورد ستر و حجاب زن در افغانستان به اثر هدایت حکومت جمعیت و شورای نظار (ربانی، احمد شاه مسعود، صدیق چکری، یونس قانونی، عبدالله عبدالله و و) صادر گردیده بود، به اطلاع هموطنان خاصاً به آگاهی زنان افغان که نیمی از جامعه ما را تشکیل می دهند، می رسانم.

این فتوا به فرمایش "برهان الدین ربانی"، "عبدالرسول سیاف" و دار و دسته آنها به نام "فتوای شرعی ستر و حجاب" به تاریخ فوق از طرف ستره محکمه صادر شد و جهت تطبیق به دولت اسلامی آن وقت سپرده شد. (اگر آنرا "دولت" گفته بتوانیم چه برهان الدین ربانی و دار و دسته اش تنها بر حصه ای از شهر کابل حکمرانی داشتند) ولی حکومت به اصطلاح "اسلامی" ربانی به اثر جنگ های خونین قدرت طلبی با حزب "اسلامی" گلب الدین حکمتیار، الحمدالله فرصت تطبیق آنرا بر زنان نیافتند و باز هم الحمدالله که یک چنین فتوای ننگین و شرم آور از نظر انسانی و حقوق بشر عملی شده نتوانست.

❖ آیا در آن هنگام سازمان حقوق بشر که داد از مساوات قانونی بین زن و مرد می زد و می زند، کدام عکس العملی از خود نشان داد یا خیر؟

❖ آیا اگر حکومت افغانستان باز بدست جبهه ملی ربانی و همدستان (عبدالله عبدالله و یارانش) بیفتد و این فتوای ننگین دوباره اعاده گردد، موقف این همه مؤسسات حقوقی غرب و دانشمندان عالیقدر اسلام و سازمان حقوق بشر و خاصاً فرانسه و حزب سوسیالیست آن که خود را پیشتاز نشر اعلامیه حقوق بشر می دانند با این تبعیض علیه زن و مرد در مقابل فتوای ربانی باز مهر سکوت بر لب خواهند نهاد یا چطور؟

در مقدمه این فتوا ذکر شده است که عده ای از « قوماندانان و "قهرمانان" جهاد اسلامی افغانستان» سؤالاتی را در مورد ستر و حجاب شرعی از ستره محکمه نموده اند. ریاست دارالافتاء آنرا جهت غور و ابراز نظر به کمیسیون مسلکی آن ریاست که متشکل از تعدادی مولوی صاحبان بود، ارجاع نمود. سؤال های مطروحه از طرف قوماندانان عبارت بودند از :

■ آیا طبقهٔ اناث در لباس مدرن و عصری و غیر اسلامی در دفاتر و مکاتب سهم گرفته می‌توانند و یا خیر؟  
■ آیا زنان در شهرها، بازارها و کوچه‌ها و غیره مراسم عرفی و رسمی عبور و مرور و گشت و گذار کرده می‌توانند و یا خیر؟

■ اگر زنان در جریان این گشت و گذار و خلطیت نسوان در سیر و سیاحت و اختلاط در دفاتر و غیره مؤسسات رسمی و غیر رسمی دیده می‌شوند، آیا این طرز العمل جائز شرعی است و یا غیر شرعی؟

سپس کمیسیون مسلکی سؤالات مطروحه را مورد غور قرار داد و نتیجه را به شکل یک فتوای شرعی به انضمام یک نامه به این متن به ریاست دارالافتاء گسیل داشت :

" مایان اعضای مسلکی ریاست افتا و مطالعات ستره محکمهٔ دولت اسلامی افغانستان در مورد استفتاء فوق، فتوای شرعی خود را از کتب معتبره فقه و تفاسیر با دلایل موثوق و مقنع به درج اوراق ذیل صادر می‌نمائیم. امیدواریم که مورد توجه رئیس دولت اسلامی واقع گردیده تا در همه دوایر و ادارات دولت اسلامی افغانستان واجب التعمیل گردد. " (محل امضای اعضای مسلکی ریاست افتاء جمعاً یازده نفر)

## فتوای شرعی ستر و حجاب زنان در افغانستان

اول : در باب ستر و حجاب:

فتوا به طور کل حکم می‌کند که "ستر و حجاب زنان فرض است، منکر آن کافر و مرتکب آن فاسق و ارتکاب آن گناه کبیره است که به نصوص قطعی ثابت است" این حکم به استناد آیات مبارکه صادر شده که ترجمهٔ دری آن چنین است:

۱— " و چون خواهید از زنان پیغمبر متاعی را، پس طلب کنید از ایشان از بیرون پرده و این سؤال بیرون از پرده، پاک کننده تر است برای دل های شما و دل های ایشان" (سوره احزاب آیه ۵۳)؛

۲— " ای زنان مسلمان قرار بگیرید در خانه های خود و ظاهر نکنید زینت و تجمل خود را مانند آشکار کردن عادت جاهلیت پیشینه" (سوره احزاب آیه ۳۳)

۳— " ای پیامبر بگو بر زنان خود و دختران خود و زنان مسلمانان که فرو گذارند بر خود چیزی از چادر های خود، این نزدیکتر است به آن که شناخته شوند" (سوره احزاب آیه ۹۵)

۴— " و بگو برای زنان مؤمنه که پائین اندازند برخی نظرهای خود را یعنی چشم های خود را از نظر شهوانی به مردان اجنبی و بپوشند چادر های کلان تا روی و بدن آنها آشکار نشود و نگهدارند شرمگاه خود را و ظاهر نکنند آرایش خود را، مگر آنچه ظاهر است از آن و باید فرو گذارند چادر های خود بر گریبان های خود و ظاهر نکنند زینت مستور خود را مگر به شوهران خود و یا به پدران خویش و یا به پدران شوهران خویش و یا به پسران خود و یا به پسران شوهران خویش" (سوره نور آیه ۳۱)

در متن فتوا نظر مفسرین و فقه ها نیز به تاسی از آیات متبرکهٔ فوق گنجانیده شده است:

چنانچه در تفسیر احمدی آمده :

"حکم آیت عام است در مستور و حجاب بودن تمام زنان مؤمنه و از آن دانسته میشود که تمام زنان باید از مردان محجوب باشند و خود را به مردان نمایان نکنند". به اساس الفقه الاسلامی: "پوشانیدن بدن زن آزاد در نماز عورت است به جز روی و کف دست ها، اما خارج از نماز تمامی بدن آن عورت است". و تفسیر الکبیری: "بر ممنوعیت خروج زنان از خانه های شان با فشاری نمی کند. مگر کسی که نادان و یا تابع هوا و هوس باشد، زیرا که احکام تغییر می کند به تغییر اهل زمانه". تفسیر بیضاوی می افزاید: "پوشانند زنان چهره های خود را و بدن خود را بر چادر خویش، و قتیکه جهت رفع ضروریات شرعی خویش می برآیند". روح البیان میگوید: "پوشانند زنان به چادر های کلان خود، چهره ها و بدن خود را، و قتیکه از خانه های خویش جهت رفع حاجات می برآیند و نه برآیند که چهره ها و بدن شان محجوب نباشند، چنانی که کنیز ها جهت رفع حاجات روی لچ می برآیند" و فقه السنن تصریح می کند که: "اگر وقتی به خروج زن فتنه مرتب شود چادر نسبت مطلق بر آمدن زنان، اگر چه از شوهر اذن داده شده باشد" و مختار می افزاید: "در زمان حالیه بر آمدن زن از خانه و نظر کردن به آن ممنوع است، نه از جهتی که عورت است، بلکه از خوف فتنه ممنوع است".

بر علاوه به استناد "رئوع البیان فی تفسیر آیات الاحکام" فتوا رعایت شش شرط را در حجاب شرعی برای زنان ضروری می داند:

- حجاب باید پوشنده تمام بدن باشد (به شمول روی).
- لباس باید تنگ و باریک نباشد.
- لباس باید دارای زینت و رنگ های گوناگون نباشد که نظر مردم را به خود جلب کند.
- لباس باید نازک نباشد تا جاهای فتنه نمایان نشود.
- لباس باید معطر نباشد که توجه مردم را جلب کند.
- زن لباسی نپوشد که مشابه مردان باشد. با رعایت شرایط فوق "روائع البیان" تأکید میدارد که: "ستر و پرده پوشی فرض گردانیده شده بر تمام زنان مسلمان و آن واجب شرعی و حتمی است".

## دوم – درباب تعلیم زنان:

استناد کلی فتوا در مورد تعلیم زنان بر مبنای حدیث مبارک استوار است که می فرماید: "طلب علم بر مرد و زن مسلمان فرض است" و همچنان: "طلب کنید علم را اگر چه در چین باشد". در فتوا طلب علم بر زنان فقط در ساحه علم دین محدود شده است. آنهم تحت شرایط خاص به این شرح که: "از اینکه بدون تعلیم مسائل اسلامی رسیدن به درک حقایق حلال و حرام امکان پذیر نیست و تمام علمای امت مسلمه در این مسأله اتفاق دارند که فرضیت علم حلال و حرام با دلایل شرعی بر زنان همچو مردان لازم است، اما طریقه راه تعلیم و تعلم فرق به سزا دارند زیرا به نسبت تحفظ شرافت، حیثیت، عزت و عفت زن، ستر و حجاب فرض عین گشته، نه بر مردان. پس امر لازمی و حتمی است که مراعات همه فرایض و واجبات شرعی مرعی و تعمیل گردد یعنی زنان مسلمان علم ضروریه و اولیه دینی را نزد اقارب قریبه خود ها بیاموزند، زیرا شرع اسلام مواضع تعلیم و مدارس را برای زنان خانه های شان و با اقارب و محرم شان قرار داده است".

فتوا از قول مولانا محمد شفیع می نگارد: "تعلیم و تعلم دینی زنان باید که از جهت محارم و قریبان آنها کرده شود. نه از طرف اجانب و بیگانگان و اگر چنین نبود، پس برای زنان مؤمن و مسلمان جائز است که تعلیم و تعلم فرایض

و واجبات اسلام را غیر از محارم و بیگانگان به قدر ضرورت و ناچاری طلب کنند، به شرطی که یکی از محارم با آنها موجود باشد".

فتوا به استناد "فتح القدیر" علاوه میکند که: "کتاب مانند نهاییه، کفایه، بحر العلوم و غیره کتب مذهبی فتوا داده اند که در ایام و زمانه پر فتنه، خارج شدن و بیرون رفتن زنان مسلمان از خانه به جماعات و نماز ممنوع است". نظر به حکم انوارالمحمود: "بیرون شدن زنان به مکاتب به بهانه علم دین، امری است بسیار قبیح و منکر";

علامه اشرف تهانوی میگوید: "برای زنان اسلام مکتب ساختن و برون رفتن آنها گله گله به مکاتب روا نیست، اگر چه استاد آنها مسلمان باشد و در آن مواضع انتظام ستر و حجاب رعایت شود. تجربه ثابت کرده که بر اخلاق زنان تأثیر قبیح و بد کرده و می کند و نتایج آن برخلاف مطلوب اسلامی آمده و اخلاق فاسد را بار آورده است".

به همین ترتیب در تفسیر احکام القرآن آمده است که: "خواندن علوم جدیده برای کودکان خصوصاً دختران در مکاتب پیش او تعلیم و خواندن علم دین ممنوع است" و حتی گفته شده که: "تعلیم و کتابت زنان حرام قرار داده شده است" فتوا از تفسیر قرطبی نقل قول کرده می افزاید: "تعلیم کتابت در بسیار اوقات سبب فتنه و ذریعه فساد می گردد، زیرا که برای اغیار و غیر محرم مطالب را مطابق هوا و هوس نا جایز شان می نویسند".

گفته می شود که: "چون تدارک تمام لوازم و ضروریات حیاتی زنان بدوش مردان است، پس زن هیچ احتیاج برآمدن از خانه به غرض کسب و پیشه ندارد و تنها زن مکلفیت دارد که در امور داخل خانه با زوج خود همکار باشد". این همان مطلبی است که عبدالرسول سیاف یکی از رهبران جهادی نیز به عبارت دیگر گفته بود که: "زن در خانه وزیر داخله است".

اعضای مسلکی ریاست افتاء ستره محکمه با نتیجه گیری از توضیحات خویش در ختم فتوا به دولت اسلامی چنین توصیه می دارد:

"از نقول صریحه فوق الذکر هویدا و ثابت شد که کار زنان با مردان در دفاتر و شهرها و تعلیم و تعلم در مکاتب عصری، خلاف مشروع و پیروی از غرب و نظام های نادینی بوده و شرعاً حرام قطعی است. افغانستان یک ملت مسلمان است و برای پیاده ساختن نظام اسلامی و احکام الهی مدت ۱۴ سال جهاد مسلحانه نموده و تعداد زیاد قربانی داده اند. . .

بسیار جای تأسف است که از مدت تقریباً ۱۶ ماه به این طرف زندهای مسلمان دولت اسلامی ما کمافی السابق در دفاتر حکومت اسلامی و مکاتب و رادیو و تلویزیون دست بکار اند و نیز در بازارها بدون حجاب گشت و گذار می کنند و هیچ تغییری از سابق به نظر نمی رسد، ولی هر روز از رادیو کابل شنیده می شود که در افغانستان حکم الهی خصوصاً ستر و حجاب عملی شده است. از مسؤولین دولت و حکومت جداً و اکیداً خواسته می شود که تمام احکام الهی خصوصاً ستر و حجاب را علی الفور عملی گردانند و زنها را از دفاتر بیرون رانده و مکاتب زنها را که در حقیقت مراکز زنا و فحشاء است، (\*) مسدود نمایند و هم از رادیو تلویزیون ایشان را بیرون کشیده تا برای ادعای شان بر تنفیذ احکام الهی مصداق پیدا کند. فتوای دارالانشاء ستره محکمه فوقاً ارقام شد".

(محل امضای اعضای مسلکی ریاست افتاء و مطالعات ستره محکمه دولت اسلامی افغانستان)

\*\*\* \*\*

(یادداشت: متن فتوای فوق که اصلاً به شکل یک رسانه مزین با مهر، امضاء و درج شماره ثبت به تاریخ پنج سنبله ۱۳۷۲ در کابل رسماً نشر گردیده بود. بعداً در مجله "آئینه افغانستان" - منتشره کلیفورنیای جنوبی شماره ۳۴، ماه اکتوبر- نوامبر ۱۹۹۳، صفحه ۷۴ تا ۷۸ مطابق به اصل به نشر رسید و کسانی که آرزومند مطالعه متن مکمل آن باشند، به مأخذ مذکور مراجع فرمایند)

با دقت در آنچه در بالا نقل گردید، معلوم می شود که رهبران بنیاد گرای مذهبی افغانستان، نه شرایط و تقاضای عصر و زمان را در نظر می گیرند و نه پروای زن را که شوهرش را در جهاد از دست داده و یا توسط کمونیست ها و یا مجاهدین به قتل رسیده و اکنون خود زن بیوه ای نفقه رسان چندین طفل و کودک سر و نیم سر است و اگر بنا بر چنین فتوایی از خانه برای کار بیرون رفته نتواند، چه کسی برای اطفال و یتیمان او نفقه تهیه خواهد کرد؟

در این فتوا، زن به چشم یک موجود فساد و فحشا و وسوسه برانگیز نگریده شده، ارزش انسانی او به عنوان مادر و خواهر و تربیت کننده فرزندان به هیچ گرفته شده است. حتی تعلیم و تربیت زن نیز مشروط به حضور یکی از اقارب در محیط تعلیم و تدریس وابسته شده است که کاری است غیر عملی و در واقع بهانه ایست در جلوگیری زنان برای فرا گرفتن علم و دانش که یک ضرورت انکار ناپذیر عصر حاضر است.

حال برای یک لحظه زنان با خود فکر کنند که اگر ربانی و عبدالله عبدالله و قانونی و امثال وی دوباره بر سرنوشت افغانستان مسلط شوند، و یا طالبان جای ایشان را بگیرند، چه کسی نخستین قربانی این بی عدالتی خواهد شد؟ بدون تردید زنان اولین قربانی چنین بی عدالتی با دستار شرعی خواهند بود. پس باید زنان قبل از هر کس دیگری دست به کار شوند و نگذارند تا بار دیگر افراتیون مذهبی بر سرنوشت شان مسلط گردند. چون زنان نیمی از پیکر جامعه ما را تشکیل می دهند، در هنگام رأی دهی رأی آنان در تعیین سرنوشت آینده شان بسیار مؤثر خواهد بود.

آگاهی یافتن زن به حقوق حقه وی اولاً به عنوان یک انسان و ثانیاً به عنوان شریک زندگی مرد و ثالثاً به حیث مادر و خواهر و رابعاً به حیث تربیت کننده کودکان و سامان بخشیدن خانواده و نیز پیشبرد بخش عمده کار های روزمره در محیط خانه و منزل، یکی از مبرم ترین ضرورت های زنان است که بدون کسب تعلیم و تحصیل این آگاهی ها برای شان ناممکن است. پس زنان می باید در کسب دانش و فرا گرفتن علم و آگاه شدن به حقوق خود، سعی و توجه فراوان نمایند و فقط با آگاهی است که می توانند جلو زور گوئی و اوامر ناروای مردان را بگیرند، چنانکه زنان آگاه وطن ما سال گذشته با تظاهرات بر ضد قانون احوال شخصیه اهل تشیع توانستند، آن قانون قرون وسطائی را از اعتبار بیندازند و مورد دوباره نگری و تجدید نظر مقامات دولت قرار دهند و خود را از دست تعدی و خواست های ناروای مردان رهائی بخشند.

مادران بهر خدا نوبت امروز شماست  
رشته کار بگیرید ز دست پدران  
نسل آینده سالم به وطن در کار است  
که بُودِ راسخ و با بهره و هم با ایمان  
خانه تفرقه انداز بسوزند و کنند

## خاک شان بر سر و ایمن بشوند از شر شان

(سردار محمد رحیم ضیایی "شویون کابلی")

به امید رهائی از چنگال بنیاد گرائی مذهبی و افراطیت از هر قماش که باشد!!

پایان

(\*)

- آیا برائت ذمه حالت اصلی نیست؟ که در قانون اساسی فعلی نیز از آن حمایت شده. زنان و دخترانی که صرف برای آموختن علم و دانش و خدمت به جامعه به مدارس و مکاتب می روند،
- آیا مکاتب و مدارس را که نهاد های تعلیم، تربیه و تحصیل اند، مراکز زنا و فحشا تلقی کردن، خودش جرم و حتی جنایت نیست؟
- آیا این به اصطلاح دانشمندان ریاست دارالافتاء و زمامداران حکومت اسلامی (ربانی و همدستان) برای یک لحظه فکر کردند که زنان و دختران خود شان در این مکاتب و مدارس بوده اند،
- آیا این دختران و زنان ایشان را فاحشه و زانی خطاب کردن درست است؟
- گذشته از این خانم "بینظیر بوتو" مدت شش سال را در پاکستان به حیث صدراعظم، ملت خود را رهبری و هدایت کرد.
- آیا میتوان او را با وجودیکه در امریکا و انگلستان (کشور های غیر اسلامی) تحصیل کرده بود، و یک کشور بزرگ یکصد و شست ملیونی را چون پاکستان رهبری می کرد، فاحشه گفت. همچنان عین مثال را می توان در مورد "خالده بیگم" رهبر کشور مسلمان بنگله دیش و "تنسی چیلر" رهبر مسلمان ترکیه از این جنابان پرسید.

بدا به حال این علمای دین!!! اینها عالمان نیستند، بلکه سفلگان اند.

از سفله آنچه زاید تعظیم را نشاید نقشی که جوشد از پا جز زیر پا نباشد

بیدل